



تأثیر ریسک حسابرسی بر ریسک مالی و ریسک مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

رحیم بنایی قدیم*، رضا طاعی حسلوئی**

چکیده

اعتباردهی به صورت‌های مالی از نظر محتوای اطلاعاتی و ریسک فرایند حسابرسی، می‌تواند بر انتظارات سرمایه‌گذاران و تامین مالی کنندگان و همچنین بر عدم قطعیت مالیات پرداختی در طول زمان تأثیر بسزایی داشته باشد و این تأثیرپذیری به واکنش رفتاری استفاده‌کنندگان درون و برون‌سازمانی بستگی دارد. هدف این مقاله بررسی تأثیر ریسک حسابرسی بر ریسک مالی و ریسک مالیاتی است. با استفاده از داده‌های ۱۰۸۹ سال-شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۴۰۱ و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و رگرسیون چندگانه، نتایج پژوهش نشان داد از شاخص‌های ریسک حسابرسی، دوره جستجوی حسابرس و احتمال خرید اظهار نظر حسابرس سبب کاهش تغییر نقدینگی و سبب افزایش درجه بحران مالی (تغییر افزایشی در بحران مالی نسبت به سال قبل) شده است، ولی حق‌الزحمه حسابرسی بر تغییر بحران مالی نسبت به سال قبل تأثیر منفی ولی بر تغییر در نسبت نقدینگی نسبت به سال قبل بی‌تأثیر است. همچنین از بین شاخص‌های ریسک حسابرسی، دوره جستجوی حسابرس و احتمال خرید اظهار نظر سبب افزایش ریسک مالیاتی (نوسان نرخ مؤثر مالیاتی و اختلاف مالیاتی) شده و متغیر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر منفی معنی‌داری بر ریسک مالیاتی (نوسان نرخ مؤثر مالیاتی و اختلاف مالیاتی) دارد.

واژه‌های کلیدی: ریسک حسابرسی، دوره جستجوی حسابرس، احتمال خرید اظهار نظر حسابرس، ریسک مالی، ریسک مالیاتی.

* استادیار گروه حسابداری، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، مراغه، ایران.

نویسنده مسئول: رحیم بنایی قدیم

rahim.bonabi@yahoo.com

DOI: 10.22034/arfr.2024.217704

مقدمه

کیفیت اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران فعلی و بالقوه در نتیجه حسابرسی با کیفیت، هرچه بالاتر باشد، (۱) ریسک مربوط به تخمین جریان‌های نقدی آتی شرکت را بیشتر کاهش می‌دهد و (۲) اطلاعاتی را که افراد خارجی در اختیار دارند با مدیریت همسو می‌کند (هکنبراک و همکاران^۱، ۲۰۱۴). اگر عدم تقارن اطلاعاتی منعکس‌کننده کیفیت محیط اطلاعاتی باشد، شرکت‌هایی با سطوح بالایی از عدم تقارن اطلاعاتی به احتمال زیاد با خطر بیشتر تحریف بااهمیت همراه هستند. به منظور کاهش ریسک کلی حسابرسی، حساب‌برسان باید تلاش حسابرسی و کیفیت حسابرسی (یعنی کمیت و کیفیت شواهد حسابرسی) را برای کاهش خطر شناسایی افزایش دهند (روزاتی و همکاران^۲، ۲۰۱۹؛ نچل و همکاران^۳، ۲۰۱۳)، که در نتیجه هزینه‌های دریافتی افزایش می‌یابد (فرینو و همکاران^۴، ۲۰۲۳). یعنی حسابرسی صورت‌های مالی برای کاهش ابهام اطلاعاتی و افزایش قابلیت اتکای اطلاعات مالی است (چودوری و همکاران^۵، ۲۰۲۲). با توجه به پیشرفت فن‌آوری اطلاعاتی، عدم کارایی بازار و نابرابری اطلاعاتی بالا در محیط تجاری ایران، ضرورت حسابرسی اثربخش و کارا برای جلوگیری از هدر رفت منابع و تخصیص بهینه منابع محدود، شفافیت قراردادهای تأمین مالی، جلوگیری از اجتناب و فرار مالیاتی، در قالب حسابرسی مبتنی بر ریسک، بیش‌ازپیش احساس می‌شود. با این حال دیگر برآیند نابرابری اطلاعاتی بالا در فضای کسب و کار ایران می‌تواند این باشد که ریسک بالای حسابرسی ممکن است به کاهش کارایی و اثربخشی حسابرسی و در نتیجه سبب شکل‌گیری فرصت‌های منفعت‌طلبانه بین طرفین قراردادها با پیچیده‌سازی اطلاعات مالی به قصد گمراه کردن ذینفعان و عدم ارائه اطلاعات قابل‌اتکا برای کاهش نوسان جریان پرداخت‌های مالیاتی آتی شود.

با این حال از یک سو حساب‌برس ممکن است رسیدگی خود را به گونه‌ای مناسب و صحیح طراحی نکرده باشد و یا در رعایت و اجرای استانداردها سهل‌انگاری کرده باشد که ریسک جریان‌های نقدی در قالب کیفیت کمتر و پایداری کمتر را سبب می‌شود (فرینو و همکاران، ۲۰۲۳) و یا با وابستگی بیشتر حساب‌برس به صاحب‌کار و افزایش احتمال خرید اظهار نظر حساب‌برس، رویکرد انتخابی حساب‌برسان و مدیران به صورت همسو، محافظه‌کارانه خواهد بود و شفافیت اطلاعاتی کاهش می‌یابد که ریسک بالای اطلاعاتی را ایجاد می‌کند (گار سیاو و همکاران^۶، ۲۰۱۸). از سویی دیگر با افزایش ریسک حسابرسی

صورت‌های مالی، حساب‌رسان برای پذیرش ریسک بیشتر مطالبه حق‌الزحمه بیشتری را می‌کنند و با افزایش رسیدگی‌های خود تأمین مالی ارزان‌قیمت از بیرون شرکت را با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش می‌دهند که به نوعی ریسک تأمین مالی شرکت را کاهش می‌دهد (چودوری و هم‌کاران، ۲۰۲۲؛ فانگ و هم‌کاران⁷، ۲۰۲۱؛ روزاتی و هم‌کاران، ۲۰۱۹). از سویی دیگر به کارگیری حساب‌رسان متخصص و مشترک برای صورت‌های مالی و امور مالیاتی، هرگونه نا اطمینانی اطلاعات و احتمال عدم تأیید هزینه مالیات ابراز‌شده توسط نهادهای تأییدکننده مالیات را کاهش می‌دهد (کاورمن⁸، ۲۰۲۲؛ بوبک و هم‌کاران⁹، ۲۰۱۰) و حساب‌رسان برای پرهیز از رویارویی با ریسک دعای حقوقی و ریسک شهرت، انگیزه بالایی برای افزایش دقت رسیدگی‌ها و کاهش ریسک حسابرسی را دارند که کیفیت اطلاعات مبنای محاسبه مالیات را افزایش و عدم قطعیت مالیاتی را کاهش می‌دهد (گایا و هم‌کاران¹⁰، ۲۰۲۱)، ولی تمایل شرکت‌ها برای حفظ استقلال از حساب‌رسان و برای جلوگیری از انتشار اطلاعات محرمانه به شرکت‌های همان صنعت توسط حساب‌رسان مالی و مالیاتی، حاکی از عدم به کارگیری حساب‌رسان با کیفیت است که با وجود ریسک بالای حسابرسی، کیفیت افزایشی اطلاعاتی برای شرکت‌ها اتفاق نمی‌افتد و نیز عدم قطعیت مالیات‌های محاسبه‌شده بر مبنای صورت‌های مالی حسابرسی شده را بیشتر می‌کند (بوبک و هم‌کاران، ۲۰۱۰). هرچند با افزایش تخصص و کیفیت کار حسابرسی در پاسخ به ریسک بالای حسابرسی، همچنان حساب‌رسان در بسیاری از موارد مرتبط با مالیات باید قضاوت حرفه‌ای خود را به کارگیرند و در کنار این به کارگیری تکنیک‌های پیچیده برای صرفه‌جویی در پرداخت مالیات توسط شرکت‌ها، عدم قطعیت مالیاتی را افزایش می‌دهد (درینگ و هم‌کاران¹¹، ۲۰۲۰).

پیامدهای ریسک حسابرسی به تناسب شرایط موجود می‌تواند ریسک مالی شرکت را تحت تأثیر قرار دهد ولی جهت تأثیرگذاری در بازار سرمایه ایران با نابرابری اطلاعاتی بالا و درک متفاوت حساب‌رسان و مدیران از ریسک کسب و کار خود می‌تواند در برقراری قراردادهای بهینه مفید باشد. موضوع مالیات شرکت‌ها در ایران به‌طور فزاینده‌ای در کانون توجه نظارتی، رسانه‌ای و عمومی قرار دارد و مدیریت مالیات شرکت، درحالی که می‌تواند نتایجی را در قالب پس‌انداز مالیاتی ایجاد کند، می‌تواند منجر به ریسک مالیاتی (عدم اطمینان مالیاتی) و انتقال ثروت نیز شود. از یک‌سو، ریسک‌پذیری موضوعی است که سال‌ها مورد تحقیق قرار گرفته

است (الموستفل و همکاران¹²، ۲۰۲۳؛ تی فام و تی دا¹³، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، مفهوم ریسک مالیات شرکتی (عدم قطعیت مالیاتی) نسبتاً جدید است و در مقایسه با تحقیقات قبلی در مورد اجتناب مالیاتی رشد قابل توجهی نداشته است (ساراگی و علی¹⁴، ۲۰۲۱). بنابراین هدف پژوهش بررسی چگونگی تأثیر ریسک حسابرسی بر ریسک مالی و ریسک مالیاتی است. در ادامه پژوهش به ترتیب به مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها، پیشینه پژوهش، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های پژوهش و بحث و نتیجه‌گیری اشاره شده است.

مبانی نظری و تدوین فرضیه‌ها

تأثیر ریسک حسابرسی بر ریسک مالی

یکی از فرآیندهای مهم در حسابرسی تعیین ریسک حسابرسی است. ریسک حسابرسی یعنی ریسکی که تعریف بااهمیتی در صورت‌های مالی وجود داشته باشد و حسابرس ندانسته نظر خود را از بابت آن تعدیل نکند یا به عبارتی احتمال خطر اینکه حسابرس ناآگاهانه نتواند نظر خود را نسبت به صورت‌های مالی که دارای اشتباه بااهمیت است اصلاح نماید (اسمعیل خباززاده و همکاران، ۱۴۰۱). ریسک حسابرسی را می‌توان به ریسک نوع آلفا (رد نادرست) و ریسک نوع بتا (پذیرش نادرست) تقسیم کرد که حسابرس باید در طول انجام حسابرسی، عملیات را بایستی به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا کند که ریسک حسابرسی تا میزانی به حداقل برسد که حسابرسان بنا به قضاوت حرفه‌ای خود، آن میزان را برای بیان اظهارنظر حرفه‌ای خویش مناسب بینند (لوئفیانا¹⁵، ۲۰۱۸؛ دانگ و همکاران¹⁶، ۲۰۲۰). در شرایطی که خطر تعریف بااهمیت بیشتر است، حسابرسان باید ریسک کشف را کاهش دهند تا ریسک حسابرسی را به حداقل برسانند، که این امر مستلزم تلاش بیشتر و منجر به هزینه‌های بالاتر می‌شود (روزاتی و همکاران، ۲۰۱۹). ریسک مالی گونه‌ای ریسک است که در اثر کاهش ابزارهای نظارتی و در نتیجه افزایش بدهی در شرکت، به سهام‌داران تحمیل می‌شود یعنی ریسک اضافی ناشی از استفاده و به کارگیری بدهی در شرکت، که تحت عنوان اهرم مالی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. هر قدر شرکت، وام بیش‌تری بگیرد، حاشیه سود خالص شرکت و پایداری جریان‌های نقدی، کم‌تر خواهد شد و ریسک سهام عادی آن بیش‌تر می‌شود (فانگ و همکاران، ۲۰۲۱).

در این میان به منظور کاهش اثر عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد نمایندگی مرتبط با جریان نقد شرکت‌ها، فعالیت حسابرسی ضرورت می‌یابد؛ زیرا کیفیت بالای حسابرسی اعتبار صورت‌های مالی را افزایش داده و از میزان ریسک اطلاعات برای تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌کاهد. حق‌الزحمه حسابرسی به‌عنوان معیاری از ریسک حسابرسی بر حساسیت جریان نقد شرکت در راستای تصمیمات سرمایه‌گذاری نقش بسزایی دارد؛ به‌خصوص اینکه چطور حساب‌برسان رسیدگی‌ها و تلاش‌های بیشتری برای کاهش مسئله عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد نمایندگی مرتبط با حساسیت جریان نقد سرمایه‌گذاری انجام خواهند داد (جانسون و همکاران¹⁷، ۲۰۱۸). مطابق با نظریه تلاش‌های حسابرس، حق‌الزحمه‌های غیرعادی و ریسک بالای حسابرسی؛ جبران تلاش حساب‌برسان برای کاهش ریسک حسابرسی تلقی شده و باعث می‌شود کیفیت حسابرسی افزایش یابد و کیفیت بالای حسابرسی نیز به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی منجر شده و این انتظار وجود دارد که ریسک و حساسیت جریان‌ات نقدی و در نتیجه ریسک مالی شرکت کاهش یابد (هیگس و اسکاتنز¹⁸، ۲۰۱۹). همچنین بر اساس نظریه وابستگی اقتصادی حسابرسی به صاحب‌کار (حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرس و ریسک حسابرسی بالاتر)، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد. بر اثر این عوامل، پیش‌بینی می‌شود که شدت حساسیت جریان‌ات نقدی سرمایه‌گذاری شرکت افزایش یافته و متعاقب آن ریسک مالی شرکت نیز افزایش یابد؛ زیرا حساب‌برسان وظیفه اطمینان و اعتبار دهی خود را در مقابل صورت‌های مالی ایفا نکرده‌اند (فانگ و همکاران، ۲۰۲۱؛ هیگس و اسکاتنز، ۲۰۱۹).

ریسک حسابرسی مرتبط با جریان نقدی زیاد است؛ اما طبق نظریه تلاش‌های حسابرس، حساب‌برسان با افزایش رسیدگی‌های خود از ریسک حسابرسی مرتبط با جریان نقدی می‌کاهند. این وضعیت شرایطی را به وجود می‌آورد که مدیران به‌راحتی از منابع مالی خارجی تأمین مالی کنند و حساسیت ایجاد شده از تغییرات مخارج سرمایه‌گذاری در برابر تغییرات وجه نقد کاهش یابد. به‌بیان‌دیگر، هنگامی که تلاش‌های حسابرس به‌منظور کاهش ریسک حسابرسی مرتبط با جریان نقدی افزایش می‌یابد، آن‌ها برای پوشش هزینه‌های حسابرسی خود حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری مطالبه می‌کنند و به دلیل کاهش مسئله تضاد نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه تأمین مالی خارجی نسبت به منابع داخلی کاهش یافته و از میزان حساسیت برای سرمایه‌گذاری نسبت به جریان نقدی کاسته

می‌شود که می‌تواند ریسک مالی شرکت را در قالب افزایش انعطاف‌پذیری مالی، کاهش دهد (فانگ و همکاران، ۲۰۲۱). نظریه‌ها و تئوری‌های موجود نشان می‌دهد که مسئله خرید اظهارنظر حسابرس نیز، از هزینه نمایندگی نشئت می‌گیرد. مدیران در چنین وضعیتی، حسابرسان را تحت فشار قرار می‌دهند تا در قبال دریافت پاداش بیشتر با خواسته‌هایشان موافقت کنند (لو، ۲۰۰۶). همچنین، ادبیات حسابرسی نشان می‌دهد که خرید اظهارنظر حسابرس بر حسب دو رویکرد فرصت‌طلبانه و محافظه‌کارانه توضیح داده می‌شود. در رویکرد فرصت‌طلبانه، مدیر در صدد است که با استفاده از توزیع نابرابر اطلاعات، به خواسته‌های شخصی خود نظیر پاداش بیشتر دست یابد (گاریسا اوسما و همکاران، ۲۰۱۸). این رویکرد، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی را کاهش و ریسک اطلاعاتی را افزایش می‌دهد (چن و همکاران¹⁹، ۲۰۱۵). زیرا باعث می‌شود که از قابلیت اتکای اطلاعات مالی و کیفیت افشای اطلاعات منتشر شده در بازار سرمایه، کاسته شود. در رویکرد محافظه‌کارانه، مدیران و حسابرسان در خصوص روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه اختلاف نظر دارند؛ چون حسابرسان خواستار گزارشگری محافظه‌کارانه‌اند، در حالی که مدیران فقط خواهان گزار شگری با محافظه‌کاری کمتر هستند و حسابرسی را انتخاب می‌کند که کمتر محافظه‌کار باشد (گاریسا اوسما و همکاران، ۲۰۱۸). بر این اساس فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین گردید:

فرضیه اول: ریسک حسابرسی بر ریسک مالی تأثیر مثبت معنی‌داری دارد.

تأثیر ریسک حسابرسی بر ریسک مالیاتی (عدم قطعیت مالیاتی)

فرآیند حسابرسی از طریق نظارت بر صحت صورت‌های مالی، کنترل‌های داخلی و فرآیند گزارشگری مالی موجب بهبود در مدیریت سود، افشاء اطلاعات، کیفیت سود، کیفیت صورت‌های مالی می‌شود. بنابراین مطابق با تئوری نمایندگی، حسابرسی می‌تواند به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های راهبری شرکتی با استفاده از فرآیند نظارتی سوءاستفاده اجتناب از مالیات را کاهش داده و در نتیجه ریسک مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل نماید (کاو رمن، ۲۰۲۲). در اکثر کشورها بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. سهم از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت است. در این میان اجتناب و فرار از مالیات در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورده شده است کمتر باشد و در نتیجه ریسک مالیاتی بیشتر باشد. اجتناب مالیاتی

در محدود‌های معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به‌طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد. شرکت‌ها معمولاً به‌وسیله انتقال سود از حوزه مالیات بالا به یک منطقه کم مالیات و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات فروخته‌شده بین شرکت‌های وابسته از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند و عدم قطعیت مالیاتی شرکت را بیشتر می‌کنند (بوکیو²⁰، ۲۰۱۹).

ریسک مالیاتی به این معنی است که نتایج مالیاتی به دلایل مختلفی از جمله روندهای قضایی، تغییرات در قوانین، تغییرات در مفروضات تجاری، افزایش ریسک حسابرسی، عدم اطمینان در تفسیر قوانین، هرگونه اقدام متفاوت با نتایج مورد انتظار است که شرکت را در معرض تبلیغات منفی قرار می‌دهد. مطابق با این تعریف چندین مطالعه قبلی در مورد عوامل تعیین‌کننده ریسک مالیاتی، مانند حاکمیت داخلی (بیزلی و همکاران²¹، ۲۰۲۱)، توانایی مدیریتی (ساراگی و علی، ۲۰۲۱)، اداره مالیات داخلی (چن و همکاران²²، ۲۰۲۲) و حساب‌برسان ارائه‌دهنده خدمات مالیاتی (واترین و همکاران²³، ۲۰۱۹)، را مدنظر قرار داده‌اند. ریسک مالیاتی شرکت همچنین توسط عوامل نهادی تعیین می‌شود یعنی محیط نهادی و نظارت مالیاتی (چن و همکاران²⁴، ۲۰۲۰) و همچنین قوانین و مقررات مالیاتی (تاوری²⁵، ۲۰۱۷) از جمله این عوامل نهادی هستند. به دلیل افزایش ریسک تجاری، مدل‌های تجاری پیچیده‌تر و عدم اطمینان اقتصادی بالاتر، انتظار می‌رود فعالیت اجتناب از مالیات، به‌ویژه در مواقع عدم شفافیت و محدودیت‌های مالی شرکت‌ها تشدید شود (وانگ و همکاران²⁶، ۲۰۲۰؛ ساراگی و علی، ۲۰۲۱). بنابراین، علاوه بر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی شرکت‌ها، با یک پیامد مثبت مورد انتظار از نظر کیفیت گزارشگری مالی، تا زمانی که حساب‌برسان در دفاع از استقلال خود غالب باشند و با علم بر اینکه حساب‌برسان می‌توانند خدمات مشاوره مالیاتی بهتری ارائه دهند (چیز و همکاران²⁶، ۲۰۲۳) و یا با تمرکز کافی آن‌ها بر عملکرد مالیاتی شرکت‌های حسابرسی شده (بلافوس و همکاران²⁷، ۲۰۲۳)، نقش حساب‌برسان در کاهش ریسک‌ها افزایش می‌یابد.

ریسک مالیاتی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای شرکت‌ها داشته باشد زیرا ریسک مالیاتی عامل مهمی در ارزیابی سرمایه‌گذاران از اجتناب مالیاتی است. اگر ریسک مالیاتی کم باشد، واکنش بازار به اجتناب از مالیات مثبت خواهد بود (دریک و همکاران، ۲۰۱۹). علاوه بر این، در زمینه بازار بدهی، ریسک مالیاتی هزینه بدهی را افزایش می‌دهد و تأثیر

اجتناب مالیاتی بر هزینه بدهی نیز تحت تأثیر سطح ریسک مالیاتی قرار می‌گیرد (کاوورمن، ۲۰۲۲). ریسک مالیات بر سرمایه‌گذاری تجاری (چن، ۲۰۲۰)، قیمت سهام و ریسک عمومی شرکت (لین و همکاران²⁸، ۲۰۱۹) و ارزش کلی شرکت (مور²⁹، ۲۰۲۱) تأثیر می‌گذارد. ریسک مالیاتی بر کیفیت (آلسادون و همکاران³⁰، ۲۰۱۸) و خوانایی گزارش‌های مالی تأثیر دارد (نگوین³¹، ۲۰۲۰). همان‌طور که قبلاً بیان شد، ریسک مالیاتی نیز ارتباط نزدیکی با تأخیر گزارش حسابرسی دارد (ابرناتی و همکاران³²، ۲۰۱۹). به دلیل اینکه شناخت دقیق استانداردهای گزارشگری مالی و قوانین مالیاتی در حسابرسی مالیاتی دارای اهمیت اساسی است، رسیدگی حسابرس به هزینه مالیات شرکت محصول کار مشترک متخصصان مالیاتی و حسابرسی خواهد بود (گلیسون و میلز³³، ۲۰۱۱). به دلیل اینکه هدف از حسابرسی افزایش قابلیت اتکای اطلاعات گزارش شده است، ترکیب تخصص‌های حسابرسی و مالیاتی، ریسک تصمیم‌گیری را برای مدیران در اتخاذ استراتژی مالیاتی شرکت کاهش می‌دهد (میدو و شاکلفرد³⁴، ۲۰۰۷). با این حال به چندین دلیل می‌توان استنباط کرد که شرکت‌ها الزاماً از حسابرسان متخصص برای امور مالیاتی خود استفاده نمی‌کنند که ریسک مالیاتی شرکت را افزایش می‌دهد: (۱) عدم تمایل برای به‌کارگیری حسابرسان صورت‌های مالی شرکت برای حفظ استقلال بین خود و حسابرسان، (۲) با توجه به ارائه خدمات مشابه حسابرسان متخصص در یک صنعت به تعداد زیادی از شرکت‌های همان صنعت، اجتناب از انتقال احتمالی اطلاعات محرمانه شرکت مورد حسابرسی توسط حسابرسان به رقبای خود در داخل صنعت و (۳) الزاماً حضور حسابرسان متخصص در ارزیابی امور مالیاتی شرکت‌ها برای مدیریت ریسک مالیاتی تنها راه کار نیست (بوبک و همکاران، ۲۰۱۰؛ دانو میهو³⁵، ۲۰۰۴؛ میهو و ویلکینز³⁶، ۲۰۰۳). در این راستا برخی محققان نشان دادند شرکت‌های خصوصی به‌جای توجه به تخصص صنعت حسابرس، به دنبال مؤسساتی هستند که حق‌الزحمه کمتری دریافت کنند. زمانی که موسسه حسابرسی علاوه بر کار حسابرسی، خدمات مالیاتی را نیز به مشتریان خود ارائه می‌دهند باعث می‌شود تا متخصصان مالیاتی موسسه به حامیان مشتریان در محدوده قوانین مالیاتی تبدیل شوند. بنابراین، شرکت‌های صاحب‌کار خدمات مالیاتی را از موسسه حسابرسی دریافت می‌کنند که دارای سطح بالایی از اجتناب مالیاتی باشند و نسبت به مؤسسات دیگر در امور مالیاتی متخصص باشند (بوبک و همکاران، ۲۰۱۰؛ چینی و همکاران، ۲۰۰۴). بر این اساس فرضیه

دوم پژوهش به شرح زیر تدوین گردید:

فرضیه دوم: ریسک حسابرسی بر ریسک مالیاتی تأثیر مثبت معنی‌داری دارد.

پیشینه تجربی

سواردی و ساریچ³⁷ (۲۰۲۳) با بررسی تأثیر ریسک مالیاتی بر تأخیر گزارش حسابرسی: شواهد تجربی از اندونزی، نشان دادند ریسک مالیاتی نسبتاً جزئی هیچ تأثیری بر عملکرد حسابرسان در تکمیل کار حسابرسی نخواهد داشت تا شرکت‌ها بتوانند گزارش‌های مالی خود را به موقع ارائه دهند. علاوه بر این، در این حین سازمان مالیاتی سود می‌برد زیرا نهایی شدن تسویه حساب مالیاتی بهبود یافته است. مقامات مالیاتی نیز تشویق می‌شوند همیشه مقررات مالیاتی را حفظ کنند که بیش از حد پیچیده نشوند. فرینو و همکاران (۲۰۲۳) با بررسی اینکه آیا عدم تقارن اطلاعاتی، حق الزحمه حسابرسی را پیش‌بینی می‌کند؟ نشان دادند پس از کنترل تمام عوامل تعیین‌کننده حق الزحمه حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی به‌طور مثبت با مقدار حق الزحمه حسابرسی پرداخت شده مرتبط است. به‌طور کلی، شواهد از این ادعا حمایت می‌کند که شرکت‌های با شفافیت کمتر، ریسک حسابرسی بالاتری را منتقل می‌کنند و بنابراین حسابرسان به حق الزحمه بالاتری نیاز دارند. سوجانا و همکاران³⁸ (۲۰۲۳) با بررسی بهبود کیفیت حسابرسی و نقش ریسک: حسابرسی به‌عنوان ناظر، نشان دادند ریسک حسابرسی پیوند بین شک حرفه‌ای و کیفیت حسابرسی را تقویت می‌کند. ارتباط بین برنامه‌ریزی حسابرسی و کیفیت حسابرسی تقویت نمی‌شود زیرا ریسک حسابرسی نتایج مختلفی ایجاد می‌کند. در نتیجه، حسابرس باید ریسک حسابرسی را تعدیل کند و هنگام انجام حسابرسی آن را در نظر بگیرد. لونگو و همکاران³⁹ (۲۰۲۳) با بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و اجتناب از مالیات شرکت‌ها، بررسی کتاب سنجی ادبیات و شواهد اولیه در مورد اتحادیه اروپا، از منظر افشای موضوعات کلیدی حسابرسی مرتبط با مالیات، نشان دادند توجه بیشتری باید به ارتباط بین موضوعات کلیدی حسابرسی افشاشده توسط حسابرسان در رابطه با گزارش‌های حسابرسی گسترده و نشان دادن اجتناب مالیاتی شرکت از طریق معیارهای مختلف برنامه‌ریزی مالیاتی معطوف شود. ارائه پشتیبانی اطلاعاتی به مقامات مالیاتی برای درک نگرانی‌های اصلی در مورد محیط کسب و کار

به طوری که آن‌ها بتوانند با حمایت از سیاست‌های مالیاتی عمومی که باید مأموریت شرکت‌ها را برای تعیین بار مالیاتی تسهیل کند، ضروری است. ماتو و همکاران⁴⁰ (۲۰۲۳) با بررسی نقش حسابرسان و بانک‌ها در رفتار جسورانه مالیاتی شرکت‌های خصوصی، ارتباط مثبت بین رفتار جسورانه مالیاتی و کیفیت حسابرسی، به این معنی است که حسابرسان نقش بیشتری در ارائه خدمات برنامه‌ریزی مرتبط با مالیات نسبت به مهار رفتار جسورانه مالیاتی دارند. علاوه بر این، نظارت بانک به طور مثبت با رفتار جسورانه مالیاتی مرتبط است. این مطابق با این است که بانک‌های وام‌دهنده بیشتر به پس‌انداز نقدی علاقه‌مند هستند تا کاهش رفتار جسورانه مالیاتی. احمدپور و همکاران⁴¹ (۲۰۲۳) با شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر ریسک مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند ریسک نقدینگی، ریسک سرمایه‌گذاری، ریسک فعالیت، ریسک اهرمی و ریسک ارزش‌گذاری بر ریسک مالی تأثیر بسزایی دارند. بلوفوسا و همکاران (۲۰۲۳) با بررسی حسابرسی رفتار مالیاتی جسورانه، چارچوب‌های کنترل مالیاتی و برنامه‌ریزی مالیاتی: یک تحلیل تجربی، نشان دادند رابطه مثبتی بین کیفیت چارچوب کنترل و حسابرسی مالیاتی و نیاز به بهبود همه‌جانبه در سرمایه‌انسانی و فرآیندهای داخلی وجود دارد، که نشان می‌دهد چارچوب کنترل مالیاتی بر ادراک شرکت‌ها از قابلیت‌های مالیاتی‌شان تأثیر می‌گذارد و تغییرات سازمانی را هدایت می‌کند. کاورمن (۲۰۲۲) با بررسی اجتناب از مالیات، ریسک مالیاتی و هزینه بدهی در اقتصاد تحت سلطه بانک، نشان داد اجتناب مالیاتی تأثیر منفی بر هزینه بدهی دارد. با این حال، ریسک مالیاتی هزینه بدهی را افزایش می‌دهد. این نتایج نشان می‌دهد که طلبکاران به طور کلی اجتناب مالیاتی را مثبت می‌بینند و اجتناب مالیاتی ذاتاً خطرناک تلقی نمی‌شود. اگرچه اجتناب از مالیات توسط بازارهای سرمایه با نرخ‌های بهره پایین‌تر پاداش داده می‌شود، ریسک مالیاتی به افزایش نرخ بهره کمک می‌کند. بنابراین تأثیر اجتناب مالیاتی بر هزینه بدهی به سطح ریسک مالیاتی بستگی دارد. درک و همکاران⁴² (۲۰۱۹) با بررسی اینکه آیا ریسک مالیاتی بر ارزش‌گذاری سرمایه‌گذاران از اجتناب مالیاتی تأثیر می‌گذارد؟ نشان دادند سرمایه‌گذاران برای اجتناب مالیاتی ارزش مثبتی قائل هستند، اما برای ریسک مالیاتی ارزش منفی قائل هستند و مهم‌تر از همه، ریسک مالیاتی بیشتر، ارزش‌گذاری مثبت اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند. لوثیانان (۲۰۱۸) با بررسی تأثیر اخلاق و ریسک حسابرسی بر کیفیت حسابرسی با

شک و تردید حرفه‌ای به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده نشان داد اولاً اخلاق بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد. دوم، ریسک حسابرسی بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد. ثالثاً، بدبینی حرفه‌ای تأثیر اخلاق را بر کیفیت حسابرسی تقویت می‌کند. چهارم، شک و تردید حرفه‌ای تأثیر ریسک حسابرسی را بر کیفیت حسابرسی تقویت می‌کند. موهاجیر⁴³ (۲۰۱۸) با بررسی اینکه آیا ریسک حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر دارد؟ نشان داد ریسک ذاتی و ریسک کنترلی سبب افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود ولی ریسک عدم کشف تأثیری بر حق‌الزحمه حسابرسی ندارد. مک‌گوایر و همکاران⁴⁴ (۲۰۱۲) با بررسی رابطه تخصص مالیاتی حساببرسان و سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، نشان دادند شرکت‌هایی که از حساببرسان متخصص در زمینه مالیاتی برای صورت‌های مالی استفاده می‌کنند، از تخصص حساببرسان برای اجتناب مالیاتی بیشتری استفاده کرده‌اند. به‌عبارت‌دیگر متخصصان کلی با ترکیب تخصص مالیاتی و مالی خود جهت بهبود و توسعه استراتژی‌های مالیاتی به نفع مشتریان خود از هر دو دیدگاه صورت‌های مالی و مالیاتی کمک می‌کنند. گلیسون و میلز (۲۰۱۱) با توجه به مفهوم انتقال دانش، به بررسی برآورد ذخیره مالیات شرکت‌ها قبل از قانون ساربنز آکسلی نشان دادند شرکت‌هایی که خدمات مالیاتی را از حسابرس خود دریافت می‌کنند دارای ذخایر مالیاتی دقیق‌تری هستند که قطعیت مالیات‌های پرداختی را افزایش می‌دهد. یعنی متخصصان صنعت در حسابرسی به‌احتمال بیشتر دارای توانایی تشخیص و درک تفاوت‌های جزئی و ظریف استراتژی‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها هستند.

امیری و فخاری (۱۳۹۹) با بررسی شاخص ترکیبی برای خرید اظهارنظر حسابرس مبتنی بر فن تحلیل ممیزی نشان دادند در شاخص ترکیبی پیشنهادی، معیار یا شاخص تغییر شریک مؤسسه حسابرسی بیشترین ضریب را به دست آورد. این موضوع نشان می‌دهد که تغییر شریک مؤسسه حسابرسی، هزینه کمتری را تحمیل کرده و کمتر در معرض دید قرار می‌گیرد. از طرفی، معیار تغییر مؤسسه حسابرسی، کمترین ضریب را در شاخص ترکیبی کسب کرد. این نتیجه نیز نشان می‌دهد که تغییر مؤسسه حسابرسی، به معنای دستیابی صاحب‌کار به اظهارنظر مطلوب حسابرس نیست. این یافته‌ها، در خصوص تبیین و تشخیص وجود خرید اظهارنظر حسابرس، اطلاعات مفیدی را در اختیار سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران قرار می‌دهد. برزگری خانقاه و قدک‌فروشان (۱۳۹۹) با

بررسی طراحی مدل سنجش ریسک مالیاتی و بررسی اثر آن بر ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه ایران، نشان دادند آگاهی از اثر ریسک مالیاتی بر ارزش شرکت به سهامداران کمک می‌کند در مواقعی که قوانین مالیاتی کشوری تجدیدنظر می‌شود، تصمیم‌های لازم و صحیحی اتخاذ کنند، زیرا هر یک از این تصمیم‌ها بر ارزش شرکت و قیمت سهام آن و در نهایت ثروت سهامداران و رضایت آنان از شرکت، تأثیرهای متفاوتی خواهند داشت. واعظ و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی ارزیابی پایداری مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی شرکت با تأکید بر نوع مالکیت نشان دادند شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر، پایداری مالیاتی بیشتری دارند به عبارت دیگر شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیاتی بالاتری دارند، به دلیل اینکه پرداخت‌های مالیات آنان تقریباً برابر و یا نزدیک به نرخ مالیاتی قانونی هست، معمولاً تعدیل‌های مالیاتی کمتری انجام داده و در نتیجه پایداری مالیاتی آنان بیشتر است. نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی ویژگی‌های ساختاری و فرایندی هیئت‌مدیره و ریسک مالی: تغییر در نقدینگی - تغییر در بحران مالی، نشان دادند در حالتی که تغییر در بحران مالی به عنوان معیار ریسک مالی در نظر گرفته می‌شود، تأثیر اندازه هیئت‌مدیره بر ریسک مالی در سطح کل شرکت‌ها، مثبت، تأثیر دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر ریسک مالی در صنعت خودرو و ساخت قطعات، منفی و در بین ویژگی‌های فرایندی، تنها تأثیر استفاده از دانش و مهارت بر ریسک مالی در سطح شرکت‌های موردبررسی، منفی بوده است. همچنین در حالتی که تغییر در نقدینگی به عنوان معیار ریسک مالی لحاظ می‌شود، تأثیر اندازه هیئت‌مدیره در صنعت محصولات شیمیایی و تأثیر فرصت رشد در صنعت خودرو و ساخت قطعات بر ریسک مالی، منفی بوده است.

روش‌شناسی

روش پژوهش از لحاظ هدف، جزو پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش، جزو پژوهش‌های توصیفی و علی-پس رویدادی است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا سال ۱۴۰۱ (دوره ۹ ساله) است. نمونه مورد مطالعه این پژوهش، متشکل از کلیه شرکت‌های موجود در جامعه آماری است که حائز معیارهای زیر باشند: ۱. پذیرش در بورس تا قبل از

دوره پژوهش و عدم خروج تا پایان دوره پژوهش، ۲. پایان سال مالی منتهی به پایان اسفند. ۳. عدم تغییر دوره مالی در دوره (۹ ساله) مورد بررسی، ۴. در دسترس بودن اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب‌شده، ۵. جزو شرکت‌های واسطه‌گری مالی، لیزینگ، بانک‌ها، بیمه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نباشند. ۶- عدم توقف معاملاتی بیش از ۶ ماه. در نتیجه اعمال شرایط فوق مطابق جدول شماره ۱، تعداد ۱۲۱ شرکت و یا ۱۰۸۹ سال- شرکت از جامعه آماری جهت انجام آزمون‌ها انتخاب شدند.

جدول ۱: روند انتخاب نمونه

| | | |
|------|------|-------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۳۲۱۳ | ۳۵۷ | تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در پایان سال ۱۴۰۰ |
| ۷۱۱ | (۷۹) | بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ همواره جزء شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشند |
| ۳۱۵ | (۳۵) | این شرکت‌ها نباید جز شرکت‌های واسطه‌گری مالی، بانک‌ها، بیمه باشد |
| ۵۴۰ | (۶۰) | سال مالی آن‌ها منتهی به پایان سال باشد |
| ۳۳۳ | (۳۷) | اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد |
| ۲۲۵ | (۲۵) | وقفه عملیاتی بیش از سه ماه نداشته باشند |
| ۱۰۸۹ | ۱۲۱ | تعداد شرکت‌های نمونه |

مدل‌ها و متغیرها

بر اساس ادبیات و مبانی نظری موجود و همچنین تحقیقات انجام شده در رابطه با ریسک حسابرسی، ریسک مالیاتی و ریسک مالی شرکت‌ها (لونگو و همکاران، ۲۰۲۳؛ دانگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ آبرناتی و همکاران، ۲۰۱۹؛ لویو و ژائو⁴⁵، ۲۰۱۳؛ جیانگ و سون⁴⁶، ۲۰۱۵)، به منظور بررسی اثر ریسک حسابرسی بر ریسک مالی و مالیاتی شرکت‌ها، از برآورد مدل‌های رگرسیونی زیر (به ترتیب رابطه شماره ۱ و ۲) استفاده گردید:

رابطه ۱)

$$\text{Frisk}_{i,t} (\Delta L, \Delta FS) = \beta_0 + \beta_1 \text{ASP}_{i,t} + \beta_2 \text{AFEE}_{i,t} + \beta_3 \text{OP-Shopping}_{i,t} + \beta_4 \text{BS}_{i,t} + \beta_5 \text{BC}_{i,t} + \beta_6 \text{MOWN}_{i,t} + \beta_7 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_8 \text{Growth}_{i,t} + \beta_9 \text{ROA}_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

رابطه ۲)

$$\text{Trisk}_{i,t} (\text{TAvoidance, BTD}) = \beta_0 + \beta_1 \text{ASP}_{i,t} + \beta_2 \text{AFEE}_{i,t} + \beta_3 \text{OP-Shopping}_{i,t} + \beta_4 \text{BS}_{i,t} + \beta_5 \text{BC}_{i,t} + \beta_6 \text{MOWN}_{i,t} + \beta_7 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_8 \text{Growth}_{i,t} + \beta_9 \text{ROA}_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

متغیرهای وابسته

ریسک مالی ($Frisk_{i,t}$): برای محاسبه ریسک مالی از دو شاخص زیر استفاده شده است: (۱) تغییر در نقدینگی شرکت ($L\Delta$): از رابطه زیر (رابطه ۳) برای تغییر نقدینگی استفاده می‌شود (مک نولتی و همکاران⁴⁷، ۲۰۱۳؛ توکلی و آشتاب، ۱۴۰۰):

$$\Delta L_{i,t} = L_{i,t} - L_{i,t-1} \quad \text{رابطه ۳}$$

که در آن، $L_{i,t}\Delta$ عبارت است از تغییر در نقدینگی نسبت به سال قبل، $L_{i,t}$ نقدینگی در سال t برای شرکت i و $L_{i,t-1}$ نقدینگی در سال $t-1$ برای شرکت i است. برای محاسبه نقدینگی از نسبت (مجموع میزان وجه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت) به کل دارایی‌های شرکت استفاده می‌شود.

(۲) تغییر در بحران مالی ($FSD\Delta$): برای محاسبه تغییر در بحران مالی بر اساس پژوهش‌های قبلی (مک نولتی و همکاران، ۲۰۱۳؛ توکلی و آشتاب، ۱۴۰۰) از رابطه زیر (رابطه ۴) استفاده می‌شود:

$$\Delta FS_{i,t} = FS_{i,t} - FS_{i,t-1} \quad \text{رابطه ۴}$$

که در آن، $FS_{i,t}\Delta$ عبارت است از تغییر در بحران مالی نسبت به سال قبل، $FS_{i,t}$ بیانگر بحران مالی در سال جاری و $FS_{i,t-1}$ بیانگر بحران مالی در سال قبل است. برای محاسبه بحران مالی نیز از رابطه زیر (رابطه ۵) استفاده می‌شود:

$$5 * INV - PAY / NFA / 7 * REC + 0 / FS = (CASH + SI + 0) \quad \text{رابطه ۵}$$

که $CASH$ بیانگر مقدار وجه نقد، SI بیانگر سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، REC بیانگر حساب‌های دریافتی تجاری، INV بیانگر میزان موجودی‌ها، PAY بیانگر حساب‌های پرداختی تجاری و NFA بیانگر خالص دارایی‌های ثابت هست (مک نولتی و همکاران، ۲۰۱۳؛ توکلی و آشتاب، ۱۴۰۰).

ریسک مالیاتی ($Trisk_{i,t}$): برای اندازه‌گیری ریسک مالیاتی، از دو شاخص زیر استفاده می‌شود: (الف) انحراف معیار نرخ مؤثر مالیات (انحراف معیار نسبت هزینه مالیات به سود قبل از کسر مالیات) سه سال قبل ($TA\text{avoidance}$). (ب) اختلاف نرخ قانونی مالیات و نرخ واقعی مالیات (نرخ مؤثر) (BTD). مقادیر بیشتر بیانگر ریسک بیشتر مالیاتی است (کاورمن، ۲۰۲۲؛ چن، ۲۰۲۱؛ دریک، ۲۰۱۹؛ دایرینگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ پاکیزه و همکاران، ۱۳۹۴). برای محاسبه

نرخ قانونی مالیات شرکت با توجه به ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی که در سال ۱۳۸۸ تصویب و در سال ۱۳۸۹ دستورالعمل مربوطه تصویب و ابلاغ گردید اقدام و تعیین نرخ می‌شود. بدین صورت که نرخ مالیاتی شرکت‌ها تا قبل از سال ۱۳۸۸ با نرخ ۲۲/۵ درصد (۱۰ درصد معافیت مالیاتی شرکت‌های بورسی؛ موضوع ماده ۱۴۳ قانون مالیات‌های مستقیم) و از سال ۱۳۸۹ به بعد چنانچه سهام‌شاور شرکت حداقل ۲۰ درصد باشد با نرخ ۲۰ درصد و در غیر این صورت با نرخ ۲۲/۵ درصد تعیین گردیده است.

متغیرهای مستقل

ریسک حسابرسی (ARisk_{it}): برای اندازه‌گیری ریسک حسابرسی از سه شاخص دوره جستجوی حسابرس، حق‌الزحمه حسابرس و احتمال خرید اظهارنظر حسابرس استفاده می‌شود:

دوره جستجوی حسابرس (ASP): دوره جست‌وجوی حسابرس به مدت زمانی گفته می‌شود که قرارداد با حسابرسی پیشین به هر دلیلی تا زمان انعقاد با حسابرس جایگزین به پایان رسیده باشد. با توجه به عدم دسترسی به قراردادهای حسابرسی که از محدودیت‌های تحقیق به شما می‌رود و با عنایت به این موضوع که قرارداد حسابرس پیشین با ارائه گزارش حسابرسی به اتمام خواهد رسید و موسسه حسابرسی جایگزین در مجموع عمومی صاحبان سهام انتخاب خواهد شد، در این پژوهش، تاریخ گزارش حسابرسی به‌عنوان تاریخ پایان کار حسابرس پیشین و تاریخ تشکیل مجمع عمومی صاحبان سهام تاریخ انتصاب موسسه حسابرسی جایگزین در نظر گرفته شده است. بنابراین در این پژوهش دوره جست‌وجوی حسابرس برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد روزهای مابین پایان کار حسابرس قدیم (تاریخ گزارش حسابرسی) و انتصاب حسابرس جدید (تاریخ تشکیل مجمع عمومی) (مانند و همکاران⁴⁸، ۲۰۱۷؛ عارف منش و میرحاجی طرزجانی، ۱۴۰۰)

حق‌الزحمه حسابرس (AFEE): به‌صورت لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی اندازه‌گیری می‌شود (فریو و همکاران، ۲۰۲۳؛ موهاجیر، ۲۰۱۸؛ حواسی طالب و همکاران، ۱۴۰۱).

احتمال خرید اظهارنظر حسابرس (OP-Shopping): برای اندازه‌گیری خرید اظهارنظر حسابرس از شاخص ترکیبی (رابطه ۶) بهره‌گیری شده است (گاریسا و سما و همکاران، ۲۰۱۸؛ امیری و فخاری، ۱۴۰۰):

$$OP-Shopping_{i,t} = 0/071 \quad OPImprovement_{i,t} + 0/504$$

$$\text{QU_Remarks}_{i,t} - 0/357 \text{ AuditChange}_{i,t} + 0/458 \text{ Tenure}_{i,t} + 1/032 \text{ PartnerChange}_{i,t} + 0/178 \text{ AbnAuditfee}_{i,t} - 0/053 \text{ Aud-Report-Lag}_{i,t}$$

رابطه ۶

که $\text{OP-Shopping}_{i,t}$ و $\text{Index}_{i,t}$ شاخص ترکیبی خرید اظهارنظر حسابرس، $\text{OPIImprovement}_{i,t}$ بهبود اظهارنظر حسابرس، $\text{QU_Remarks}_{i,t}$ کاهش تعداد بندهای مشروط گزارش حسابرسی نسبت به سال قبل، $\text{AuditChange}_{i,t}$ تغییر موسسه حسابرسی، $\text{Tenure}_{i,t}$ دوره بالای تصدی موسسه حسابرسی، $\text{PartnerChange}_{i,t}$ تغییر شریک موسسه حسابرسی، $\text{AbnAuditfee}_{i,t}$ حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و $\text{Aud Report Lag}_{i,t}$ تأخیر غیرمنتظره گزارش حسابرسی می‌باشند. در رابطه فوق، شاخص تصمیم‌گیری برای تشخیص وقوع خرید اظهارنظر برای شرکت‌ها بدین صورت است که ابتدا با وارد کردن داده‌های متغیرها در رابطه، مقدار حاصل از رابطه برای هر سال - شرکت به دست آمده و سپس به منظور طبقه‌بندی شرکت‌ها از لحاظ خرید اظهارنظر حسابرس و فاقد خرید اظهارنظر حسابرس از مقدار نقطه بحرانی ۰/۱۳۵ استفاده شده است. شرکت‌هایی که مقدار آن‌ها بیش از عدد فوق باشد، بیانگر شرکت‌هایی است که خرید اظهارنظر حسابرس داشته‌اند و به آن‌ها عدد یک تعلق گرفته است (گارسیا و سما و همکاران، ۲۰۱۸؛ امیری و فخاری، ۱۴۰۰).

متغیرهای کنترل

بر اساس پژوهش‌های قبلی متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای کنترلی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (مانند و همکاران، ۲۰۱۷؛ عارف منش و میرحاجی طرزجانی، ۱۴۰۰؛ نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ محمدی و عزیزی، ۱۴۰۳): اندازه هیئت مدیره (BS): لگاریتم طبیعی تعداد کل مدیران شرکت، ترکیب هیئت مدیره (BC): نسبت مدیران مستقل به کل اعضای هیئت مدیره شرکت، اندازه شرکت (Size): لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت، رشد شرکت (Growth): نرخ رشد فروش شرکت، سودآوری (ROA): نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌های شرکت، مالکیت مدیریت (MOWN): درصد سهام متعلق به هیات مدیره شرکت.

یافته‌ها

آمار توصیفی

جدول ۲ نتایج مقادیر توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مربوط به ریسک حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی دارای بیشترین میانگین و احتمال خرید

اظهار نظر حسابرسان دارای کمترین میانگین بوده و حق الزحمه حسابرسی دارای بیشترین انحراف معیار و پراکندگی است. مقدار میانگین متغیر دوره جستجوی حسابرسی (۰/۴۸) بیانگر دوره کوتاه برای جستجوی حسابرسان جدید است، مقدار میانگین متغیر احتمال خرید اظهار نظر حسابرسان (۰/۲۹) بیانگر این است که حدود ۲۹ درصد شرکت‌های مورد مطالعه شرایط احتمال خرید اظهار نظر حسابرسان را دارند. از بین دو شاخص ریسک مالیاتی، نوسان نرخ مؤثر مالیاتی دارای بیشترین میانگین (۰/۳۰۵) و بیشترین انحراف معیار (۰/۲۰۴) است یعنی مالیات بر سود از پایداری کمتری در طول زمان برخوردار است که ریسک بالای آن و عدم قابلیت پیش‌بینی و قابلیت اتکای آن را نشان می‌دهد. از بین شاخص‌های ریسک مالی نیز متغیر تغییر در بحران مالی شرکت دارای بیشترین میانگین (۱۲/۱۹) و بیشترین انحراف معیار (۲۵/۰۶) است که بیانگر ریسک مالی رو به افزایش شرکت‌های مورد مطالعه است. میانگین متغیر تغییر نقدینگی شرکت‌ها با مقدار ۵/۳۸ بیانگر روند رو به رشد نقدینگی شرکت‌های مورد مطالعه نسبت به سال قبل است. نزدیک بودن مقدار میانگین و میانه داده‌ها نشان‌دهنده نرمال بودن متغیرها است. از بین متغیرهای کنترلی متغیر رشد شرکت و مالکیت مدیریت به ترتیب بیشترین و کمترین انحراف معیار را به خود اختصاص داده‌اند. ترکیب هیات مدیره با میانگین ۰/۶۲ بیانگر استقلال حدود ۶۲ درصدی هیئت مدیره شرکت‌های مورد مطالعه است، متغیر رشد شرکت و سودآوری شرکت به ترتیب با میانگین ۰/۶۳ و ۰/۱۷ بیانگر شاخص‌های مثبت تغییرات فروش و سودآوری شرکت‌های مورد مطالعه در طول دوره مورد مطالعه است که شاید مربوط به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است و میانگین ۰/۰۹ برای مالکیت-مدیریت بیانگر این است که ۹ درصد سهام شرکت‌ها در اختیار مدیران شرکت‌های مورد مطالعه است.

جدول ۲: آمار توصیفی

| متغیر | میانگین | میانه | انحراف معیار | بیشینه | کمینه |
|--------------------------------|---------|--------|--------------|--------|-------|
| حق الزحمه حسابرسی | ۳/۸۰ | ۳/۷۲ | ۰/۵۵ | ۵/۶۵ | ۲/۲۱ |
| دوره جستجوی حسابرسان | ۰/۴۸ | ۰/۴۳ | ۰/۳۱ | ۱ | ۰/۰۰۰ |
| احتمال خرید اظهار نظر حسابرسان | ۰/۲۹ | ۰/۲۵ | ۰/۴۵ | ۱ | ۰/۰۰۰ |
| اختلاف مالیاتی | ۰/۰۵۸۱ | ۰/۰۴۲۵ | ۰/۱۴ | ۰/۲۳۱ | ۰/۰۰۰ |
| نوسان نرخ مؤثر مالیاتی | ۰/۳۰۵ | ۰/۲۶۲ | ۰/۲۰۴ | ۰/۴۱۷ | ۰/۱۰۳ |
| تغییر در بحران مالی | ۱۲/۱۹ | ۱۲/۰۶ | ۲۵/۰۶ | ۳۰/۷۸ | -۳/۴۵ |
| تغییر در نقدینگی | ۵/۳۸ | ۴/۶۹ | ۰/۱۹ | ۸/۱۴ | -۲/۶۳ |

| | | | | | | |
|-------|-------|------|-------|-------|--------|-------------------|
| ۱/۰۴ | ۲/۴۴ | ۰/۱۶ | ۱/۹۰ | ۱/۹۳ | BS | اندازه هیئت‌مدیره |
| ۰/۰۰۰ | ۱ | ۰/۱۳ | ۰/۶۰ | ۰/۶۲ | BC | ترکیب هیئت‌مدیره |
| ۱۰/۰۷ | ۱۹/۳۱ | ۱/۴۸ | ۱۳/۹۶ | ۱۴/۱۶ | Size | اندازه شرکت |
| -۰/۳۰ | ۱/۱۶ | ۴/۵۹ | ۰/۲۰ | ۰/۶۳ | Growth | رشد شرکت |
| -۱/۰۲ | ۳/۱۶ | ۱/۲۸ | ۰/۱۰ | ۰/۱۷ | ROA | سودآوری شرکت |
| ۰/۰۴ | ۰/۱۵ | ۰/۰۱ | ۰/۰۷ | ۰/۰۹ | MOWN | مالکیت - مدیریت |

نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتایج حاصل از آزمون نرمالیتی مربوط به الگوی پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است. با توجه به این که آماره چارک برا احتمال بالاتر از ۰/۱۰ دارد، نشان می‌دهد فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای باقیمانده مدل‌های رگرسیونی تأیید می‌گردد.

جدول ۳: نتایج آزمون نرمالیتی الگوی پژوهش

| احتمال | آماره چارک برا | آزمون | مدل |
|--------|----------------|----------|-----------------------------------|
| ۰/۱۳۱۸ | ۳/۱۷ | نرمالیتی | اول- (متغیر وابسته: ΔL) |
| ۰/۱۴۲۳ | ۳/۳۵ | نرمالیتی | دوم- (متغیر وابسته: ΔFS) |
| ۰/۱۳۱۱ | ۳/۱۱ | نرمالیتی | سوم- (متغیر وابسته: TAvoidance) |
| ۰/۱۸۹۲ | ۴/۵۸ | نرمالیتی | چهارم- (متغیر وابسته: BTD) |

به منظور بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که احتمال آماره محاسبه شده در آزمون وایت برای مدل‌های پژوهش بزرگ‌تر از ۰/۱۰ هست از این رو فرضیه H_0 این آزمون مبنی بر همسان بودن واریانس رد نمی‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس مدل‌های پژوهش

| نتیجه | احتمال | آماره آزمون | مدل |
|----------------------|--------|-------------|-----------------------------------|
| عدم ناهمسانی واریانس | ۰/۷۱۲۵ | ۶/۱۹ | اول- (متغیر وابسته: ΔL) |
| عدم ناهمسانی واریانس | ۰/۷۵۱۲ | ۴/۱۷ | دوم- (متغیر وابسته: ΔFS) |
| عدم ناهمسانی واریانس | ۰/۳۶۲۰ | ۹/۰۳ | سوم- (متغیر وابسته: TAvoidance) |
| عدم ناهمسانی واریانس | ۰/۸۱۲۶ | ۵/۱۲ | چهارم- (متغیر وابسته: BTD) |

نتایج آزمون هم‌خطی بر اساس آزمون تورم واریانس در جداول ۶ تا ۹ نشان داده شده است. از آنجا که وی آی اف ضرایب مدل‌های برآورد شده کوچک‌تر از عدد ۱۰ هست، لذا نتیجه گرفته می‌شود که میزان هم‌خطی در بین متغیرهای توضیحی در حد مطلوب هست. چنانچه جدول ۵ نشان می‌دهد، مقدار احتمال معناداری آماره اف لیمر کوچک‌تر از ۰/۱۰ است که برتری استفاده از روش داده‌های پانلی در برابر روش داده‌های ترکیبی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج حاصل از آزمون اف لیمر

| نتیجه | معناداری | آماره آزمون | مدل |
|----------------|----------|-------------|-----------------------------------|
| داده‌های پانلی | ۰/۰۰۰۰ | ۹/۰۷ | اول- (متغیر وابسته: ΔL) |
| داده‌های پانلی | ۰/۰۰۰۰۳ | ۱۲/۴۵ | دوم- (متغیر وابسته: ΔFS) |
| داده‌های پانلی | ۰/۰۰۰۰ | ۱۱/۲۰ | سوم- (متغیر وابسته: T Avoidance) |
| داده‌های پانلی | ۰/۰۰۰۰ | ۲/۳۱ | چهارم- (متغیر وابسته: BT D) |

همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد، مقدار احتمال معناداری آماره آزمون هاسمن کوچک‌تر از ۰/۰۵ است نشان‌دهنده مرجح بودن استفاده از روش داده‌های پانلی اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی است.

جدول ۶: نتایج حاصل از آزمون هاسمن

| نتیجه | معناداری | آماره آزمون | مدل |
|------------|----------|-------------|-----------------------------------|
| اثرات ثابت | ۰/۰۰۰۰ | ۳۲/۴۷ | اول- (متغیر وابسته: ΔL) |
| اثرات ثابت | ۰/۰۰۰۷۶ | ۲۲/۴۴ | دوم- (متغیر وابسته: ΔFS) |
| اثرات ثابت | ۰/۰۰۰۰ | ۱۷/۴۸ | سوم- (متغیر وابسته: T Avoidance) |
| اثرات ثابت | ۰/۰۰۰۲۰ | ۲۵/۹۹ | چهارم- (متغیر وابسته: BT D) |

مطابق جدول ۷، با توجه به سطح خطای آماره F (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که مدل از معناداری بالایی برخوردار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل‌شده برای فرضیه اول (ریسک مالی - تغییر در نقدینگی) که برابر ۳۲ درصد است، می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش، ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. مقدار آماره دورین واتسون مدل برابر با عدد ۲/۱۱ هست که نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی میان باقی‌مانده‌های مدل هست. از بین متغیرهای مربوط به ریسک حسابرسی، دوره جستجوی حسابرس و احتمال خرید اظهار نظر حسابرس به ترتیب با ضریب (۰/۰۴۴۷ -

و $(-۰/۰۱۱۶)$ و با سطح معنی‌داری $۰/۰۰۳$ و $۰/۰۱۴$ ، سبب کاهش تغییر نقدینگی شده و بیانگر تأثیر مثبت آن‌ها بر ریسک مالی (تغییر نقدینگی نسبت به سال قبل) است ولی متغیر حق‌الزحمه حسابرسی با ضریب $۰/۰۲۱۸$ و سطح معنی‌داری $۰/۰۶۳۱$ بیانگر عدم تأثیر معنی‌داری آن بر ریسک مالی است. از بین متغیرهای کنترلی، متغیر ترکیب هیئت‌مدیره (استقلال هیئت‌مدیره)، اندازه شرکت، سودآوری شرکت و مالکیت مدیریت به ترتیب با ضرایب $۰/۰۳۱۸$ ، $۰/۰۴۲۴/۰۲۱۱$ و $۰/۰۶۳۵$ ، تأثیر منفی بر ریسک مالی (تغییر نقدینگی) دارند. یعنی با افزایش استقلال هیئت‌مدیره، برای شرکت‌های بزرگ، برای شرکت‌های سودآور و با مدیران مالک، افزایش نقدینگی بیشتری نسبت به سال قبل اتفاق می‌افتد. ولی متغیرهای اندازه شرکت و رشد شرکت، تأثیری بر ریسک مالی (تغییر در نقدینگی نسبت به سال قبل) ندارند.

جدول ۷: نتایج تحلیل رگرسیون مدل اول (ریسک مالی - تغییر در نقدینگی)

| آزمون فرضیه اول | | | | | | |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------|------------|--------------|----------------------------|--------|------|
| Frisk _{i,t} (Δ L) = $\beta_0 + \beta_1$ ASP _{i,t} + β_2 AFEE _{i,t} + β_2 OP-Shopping _{i,t} + β_4 BS _{i,t} + β_5 BC _{i,t} + β_6 MOWN _{i,t} + β_7 SIZE _{i,t} + β_8 Growth _{i,t} + β_9 ROA _{i,t} + e _{i,t} | | | | | | |
| متغیر | نماد | ضریب | انحراف معیار | آماره t | احتمال | VIF |
| | c | ۰/۰۳۷۱ | ۰/۰۱۱۲ | ۳/۳۱۲ | ۰/۰۰۱ | |
| دوره جستجوی حسابرس | APS | -۰/۰۴۴۷ | ۰/۰۲۰۱ | -۲/۲۲۳ | ۰/۰۰۳ | ۳/۳۳ |
| حق‌الزحمه حسابرس | AFEE | ۰/۰۲۱۸ | ۰/۰۱۴۳ | ۱/۵۲۴ | ۰/۰۶۳۱ | ۱/۱۲ |
| احتمال خرید اظهارنظر حسابرس | OP-SHOP | -۰/۰۱۱۶ | ۰/۰۰۴۹ | -۲/۳۶۷ | ۰/۰۱۴ | ۱/۳۲ |
| اندازه هیئت‌مدیره | BS | ۰/۰۱۵۵ | ۰/۰۱۲۱ | ۱/۲۸۰ | ۰/۰۹۰۴ | ۲/۱۴ |
| ترکیب هیئت‌مدیره | BC | ۰/۰۳۱۸ | ۰/۰۱۴۶ | ۲/۱۷۸ | ۰/۰۰۲ | ۵/۱۴ |
| مالکیت مدیریت | MOWN | ۰/۰۶۳۵ | ۰/۰۲۶۷ | ۲/۳۷۸ | ۰/۰۰۱ | ۳/۲۵ |
| اندازه شرکت | SIZE | ۰/۰۲۱۱ | ۰/۰۱۰۱ | ۲/۰۸۹ | ۰/۰۲۱۵ | ۶/۲۵ |
| رشد شرکت | Grow | -۰/۰۱۶۲ | ۰/۰۱۰۴ | -۱/۵۵۷ | ۰/۱۴۸ | ۱/۲۲ |
| سودآوری شرکت | ROA | ۰/۰۴۲۴ | ۰/۰۱۸۵ | ۲/۲۹۱ | ۰/۰۰۳۲ | ۱/۱۹ |
| | | R2 = ۰/۳۵۷ | | AdjR2 = ۰/۳۲۶ | | |
| | | D.W = ۲/۱۱ | | Prob(F-statistic) = ۰/۰۰۰۰ | | |

مطابق جدول ۸، با توجه به سطح خطای آماره F ($۰/۰۰۰$) نشان می‌دهد که مدل از

معناداری بالایی برخوردار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل‌شده برای فرضیه اول (ریسک مالی - تغییر در بحران مالی) که برابر ۲۶ درصد است، می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش، ۲۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. مقدار آماره دورین واتسون مدل برابر با عدد ۲/۰۴ هست که نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی میان باقی‌مانده‌های مدل هست. از بین متغیرهای مربوط به ریسک حسابرسی، دوره جستجوی حسابرس و احتمال خرید اظهارنظر حسابرس به ترتیب با ضریب (۰/۱۷۲) و (۰/۰۲۴) و با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۴۴ و ۰/۰۰۳، سبب افزایش درجه بحران مالی شده و بیانگر تأثیر مثبت آن‌ها بر ریسک مالی (تغییر بحران مالی نسبت به سال قبل) است و متغیر حق‌الزحمه حسابرسی با ضریب ۰/۰۲۶۳- و سطح معنی‌داری ۰/۰۱۳۵ بیانگر تأثیر منفی معنی‌داری آن بر ریسک مالی است یعنی با افزایش حق‌الزحمه حسابرسی، تلاش حسابرسان برای اعتبار دهی بیشتر صورت‌های مالی به کاهش بحران مالی منجر می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی، متغیر رشد شرکت، سودآوری و مالکیت مدیریت به ترتیب با ضرایب ۰/۰۲۸۲، ۰/۰۴۱۳- و ۰/۰۷۲۰- به ترتیب دارای تأثیر مثبت و منفی معنی‌دار بر ریسک مالی ((تغییر بحران مالی نسبت به سال قبل)) است یعنی برای شرکت‌های با قابلیت رشد بالا، تغییر در بحران مالی مثبت بوده و برای شرکت‌های با توانایی مالی بیشتر و نیز با مالک مدیر، تغییر در بحران مالی و ریسک ناشی از بحران مالی کاهش می‌یابد ولی متغیرهای اندازه شرکت، ترکیب هیئت‌مدیره و اندازه هیئت‌مدیره تأثیری بر ریسک مالی (تغییر بحران مالی نسبت به سال قبل) ندارند.

جدول ۸: نتایج تحلیل رگرسیون مدل دوم (ریسک مالی - تغییر در بحران مالی)

| آزمون فرضیه اول | | | | | | |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------|---------|--------------|---------|--------|------|
| $\text{Frisk}_{i,t} (\Delta FS) = \beta_0 + \beta_1 \text{ASP}_{i,t} + \beta_2 \text{AFEE}_{i,t} + \beta_3 \text{OP-Shopping}_{i,t} + \beta_4 \text{BS}_{i,t} + \beta_5 \text{BC}_{i,t} + \beta_6 \text{MOWN}_{i,t} + \beta_7 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_8 \text{Growth}_{i,t} + \beta_9 \text{ROA}_{i,t} + e_{i,t}$ | | | | | | |
| متغیر | نماد | ضریب | انحراف معیار | آماره t | احتمال | VIF |
| | c | ۰/۱۶۲۲ | ۰/۰۴۲۸ | ۳/۷۸۹ | ۰/۰۰۰ | |
| دوره جستجوی حسابرِس | APS | ۰/۰۱۷۲ | ۰/۰۰۵۳ | ۳/۲۴۵ | ۰/۰۰۴۴ | ۱/۱۷ |
| حق‌الزحمه حسابرِس | AFEE | -۰/۰۲۶۳ | ۰/۰۱۱۱ | -۲/۳۶۹ | ۰/۰۱۳۵ | ۲/۱۴ |
| احتمال خرید اظهارنظر حسابرِس | OP-SHOP | ۰/۰۲۴۰ | ۰/۰۱۰۵ | ۲/۲۸۵ | ۰/۰۰۳ | ۱/۰۸ |
| اندازه هیئت‌مدیره | BS | -۰/۰۱۵۲ | ۰/۰۱۲۷ | -۱/۱۹۶ | ۰/۱۷۱ | ۵/۱۲ |
| ترکیب هیئت‌مدیره | BC | -۰/۰۳۲۵ | ۰/۰۱۸۳ | -۱/۷۷۵ | ۰/۰۶۵ | ۳/۱۵ |
| مالکیت مدیریت | MOWN | -۰/۰۷۲۰ | ۰/۰۳۴۱ | -۲/۱۱۱ | ۰/۰۰۲۵ | ۶/۲۵ |
| اندازه شرکت | SIZE | ۰/۰۱۳۹ | ۰/۰۶۱۴ | ۰/۲۲۶۳ | ۰/۷۰۱ | ۳/۱۱ |
| رشد شرکت | Grow | ۰/۰۲۸۲ | ۰/۰۱۳۵ | ۲/۰۸۸ | ۰/۰۰۱۴ | ۳/۱۷ |
| سودآوری شرکت | ROA | -۰/۰۴۱۳ | ۰/۰۱۲۶ | -۳/۲۷۷ | ۰/۰۰۲۲ | ۱/۰۱ |
| AdjR2 = ۰/۲۶۸ | | | R2 = ۰/۲۹۴ | | | |
| Prob(F-statistic) = ۰/۰۰۰۰ | | | D.W = ۲/۰۴ | | | |

مطابق جدول ۹، با توجه به سطح خطای آماره F (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که مدل از معناداری بالایی برخوردار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده برای فرضیه دوم (ریسک مالیاتی - نوسان نرخ مؤثر مالیاتی) که برابر ۲۶ درصد است، می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش، ۲۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. مقدار آماره دورین واتسون مدل برابر با عدد ۱/۸۵ است که نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی میان باقی‌مانده‌های مدل است. از بین متغیرهای مربوط به ریسک حسابرِس، دوره جستجوی حسابرِس و احتمال خرید اظهارنظر حسابرِس به ترتیب با ضریب (۰/۰۴۰۵ و ۰/۰۳۳۱) و با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۳۴ و ۰/۰۰۰۴، سبب افزایش ریسک مالیاتی (نوسان نرخ مؤثر مالیاتی) شده و متغیر حق‌الزحمه حسابرِس با ضریب ۰/۰۵۱۷- و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰۲، بیانگر تأثیر منفی معنی‌داری آن بر ریسک مالیاتی (نوسان نرخ مؤثر

مالیاتی) است یعنی با افزایش حق‌الزحمه حسابرسی به سبب افزایش تلاش حسابرسان برای اعتبار دهی بیشتر صورت‌های مالی به کاهش نوسان نرخ مؤثر مالیاتی منجر می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی، متغیر اندازه شرکت، رشد شرکت، سودآوری به ترتیب با ضرایب ۰/۰۴۰۶، ۰/۰۱۳۴ و ۰/۰۱۱۵ دارای تاثیر مثبت بر ریسک مالیاتی (نوسان نرخ مؤثر مالیاتی) و سبب افزایش آن می‌شوند ولی متغیرهای اندازه هیئت‌مدیره، ترکیب هیئت‌مدیره و مالکیت مدیریت تأثیری بر ریسک مالیاتی (نوسان نرخ مؤثر مالیاتی) ندارند.

جدول ۹: نتایج تحلیل رگرسیون مدل سوم (ریسک مالیاتی - نوسان نرخ مؤثر مالیاتی)

| آزمون فرضیه دوم | | | | | | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------|---------|----------------------------|---------|---------|--------------------------------|
| $\text{Trisk}_{i,t} (\text{TAvoidance}) = \beta_0 + \beta_1 \text{ASP}_{i,t} + \beta_2 \text{AFEE}_{i,t} + \beta_3 \text{OP-Shopping}_{i,t} + \beta_4 \text{BS}_{i,t} + \beta_5 \text{BC}_{i,t} + \beta_6 \text{MOWN}_{i,t} + \beta_7 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_8 \text{Growth}_{i,t} + \beta_9 \text{ROA}_{i,t} + e_{i,t}$ | | | | | | |
| VIF | احتمال | آماره t | انحراف معیار | ضریب | نماد | متغیر |
| | ۰/۰۰۰ | ۲/۱۵۸ | ۰/۰۲۹۱ | ۰/۰۶۲۸ | c | |
| ۲/۱۸ | ۰/۰۰۳۴ | ۲/۵۱۰ | ۰/۰۱۶۲ | ۰/۰۴۰۵ | APS | دوره جستجوی حسابرسان |
| ۲/۱۲ | ۰/۰۰۰۲ | -۳/۶۶۶ | ۰/۰۱۴۱ | -۰/۰۵۱۷ | AFEE | حق‌الزحمه حسابرسان |
| ۵/۲۲ | ۰/۰۰۰۴ | ۲/۰۸۱ | ۰/۰۱۵۹ | ۰/۰۳۳۱ | OP-SHOP | احتمال خرید اظهار نظر حسابرسان |
| ۱/۳۲ | ۰/۰۰۶۵ | -۱/۷۳۰ | ۰/۰۱۹۷ | -۰/۰۳۴۱ | BS | اندازه هیئت‌مدیره |
| ۶/۱۱ | ۰/۰۰۷۲ | -۱/۰۵۹ | ۰/۰۲۱۸ | -۰/۰۲۳۱ | BC | ترکیب هیئت‌مدیره |
| ۳/۱۴ | ۰/۰۰۸۲ | ۱/۵۵۰ | ۰/۰۰۴۰ | ۰/۰۰۶۲ | MOWN | مالکیت مدیریت |
| ۶/۱۴ | ۰/۰۰۱۳ | ۲/۶۷۱ | ۰/۰۱۵۲ | ۰/۰۴۰۶ | SIZE | اندازه شرکت |
| ۳/۱۵ | ۰/۰۰۲۲ | ۲/۹۷۷ | ۰/۰۰۴۵ | ۰/۰۱۳۴ | Grow | رشد شرکت |
| ۱/۱۰ | ۰/۰۰۰۳ | ۳/۱۰۸ | ۰/۰۰۳۷ | ۰/۰۱۱۵ | ROA | سودآوری شرکت |
| R2 = ۰/۲۸۲ | | | AdjR2 = ۰/۲۶۴ | | | |
| D.W = ۱/۸۵ | | | Prob(F-statistic) = ۰/۰۰۰۰ | | | |

مطابق جدول ۱۰، با توجه به سطح خطای آماره F (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که مدل از معناداری بالایی برخوردار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل‌شده برای فرضیه دوم (ریسک مالیاتی - اختلاف مالیاتی) که برابر ۲۱ درصد است، می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش، ۲۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

مقدار آماره دورین واتسون مدل برابر با عدد ۱/۸۹ است که نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی میان باقی‌مانده‌های مدل هست. از بین متغیرهای مربوط به ریسک حسابرسی، دوره جستجوی حسابرس و احتمال خرید اظهار نظر حسابرس به ترتیب با ضریب (۰/۰۰۶۴) و (۰/۰۵۱۸) و با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۴۰ و ۰/۰۰۳، سبب افزایش ریسک مالیاتی (اختلاف مالیاتی) شده و متغیر حق الزحمه حسابرسی با ضریب ۰/۱۳۷- و سطح معنی‌داری ۰/۰۲۱۵ بیانگر تأثیر منفی معنی‌داری آن بر ریسک مالیاتی (اختلاف مالیاتی) است یعنی با افزایش حق الزحمه حسابرسی به سبب افزایش تلاش حسابرسان برای اعتبار دهی بیشتر صورت‌های مالی به کاهش اختلاف دفتری مالیاتی منجر می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی، متغیر اندازه شرکت، رشد شرکت به ترتیب با ضرایب ۰/۰۲۸۴، ۰/۰۰۶۳ دارای تأثیر مثبت بر ریسک مالیاتی (اختلاف مالیاتی) و سبب افزایش آن می‌شوند ولی متغیرهای اندازه هیئت‌مدیره، ترکیب هیئت‌مدیره، سودآوری شرکت و مالکیت مدیریت تأثیری بر ریسک مالیاتی (اختلاف مالیاتی) ندارند.

جدول ۱۰: نتایج تحلیل رگرسیون مدل چهارم (ریسک مالیاتی - اختلاف مالیاتی)

| آزمون فرضیه دوم | | | | | | |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------|---------|----------------------------|---------|--------|------|
| $\text{Trisk}_{i,t} (\text{BTD}) = \beta_0 + \beta_1 \text{ASP}_{i,t} + \beta_2 \text{AFEE}_{i,t} + \beta_3 \text{OP-Shopping}_{i,t} + \beta_4 \text{BS}_{i,t} + \beta_5 \text{BC}_{i,t} + \beta_6 \text{MOWN}_{i,t} + \beta_7 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_8 \text{Growth}_{i,t} + \beta_9 \text{ROA}_{i,t} + e_{i,t}$ | | | | | | |
| متغیر | نماد | ضریب | انحراف معیار | آماره t | احتمال | VIF |
| | C | -۰/۶۲۳ | ۰/۱۸۵۲ | -۳/۳۶۳ | ۰/۰۰۰ | |
| دوره جستجوی حسابرس | APS | ۰/۰۰۶۴ | ۰/۰۰۲۱ | ۳/۰۴۷ | ۰/۰۰۴۰ | ۶/۲۵ |
| حق الزحمه حسابرس | AFEE | -۰/۰۱۳۷ | ۰/۰۰۵۲ | -۲/۶۳۴ | ۰/۰۲۱۵ | ۳/۳۶ |
| احتمال خرید اظهار نظر حسابرس | OP-SHOP | ۰/۰۵۱۸ | ۰/۰۲۴۱ | ۲/۱۴۹ | ۰/۰۰۳ | ۲/۲۵ |
| اندازه هیئت‌مدیره | BS | -۰/۰۳۴۱ | ۰/۰۲۶۴ | -۱/۲۹۱ | ۰/۰۸۲۶ | ۱/۰۸ |
| ترکیب هیئت‌مدیره | BC | -۰/۰۰۸۵ | ۰/۰۰۶۱ | -۱/۳۹۳ | ۰/۰۶۴ | ۲/۱۴ |
| مالکیت مدیریت | MOWN | -۰/۰۵۱۴ | ۰/۰۳۷۰ | -۱/۳۸۹ | ۰/۰۹۱ | ۱/۱۷ |
| اندازه شرکت | SIZE | ۰/۰۲۸۴ | ۰/۰۱۲۱ | ۲/۳۴۷ | ۰/۰۱۴ | ۳/۲۵ |
| رشد شرکت | Grow | ۰/۰۰۶۳ | ۰/۰۰۲۲ | ۲/۸۶۳ | ۰/۰۰۱۳ | ۱/۹ |
| سودآوری شرکت | ROA | ۰/۰۱۸۲ | ۰/۰۱۳۴ | ۱/۳۵۸ | ۰/۰۷۴ | ۱/۱ |
| R2 = ۰/۲۳۵ | | | AdjR2 = ۰/۲۱۷ | | | |
| D.W = ۱/۸۹ | | | Prob(F-statistic) = ۰/۰۰۰۰ | | | |

استحکام نتایج

برای بررسی کفایت متغیرهای کنترلی پژوهش از معیارهای اطلاعاتی آکائیک و شوآرتز استفاده شده است. در صورتی که مقادیر آکائیک و شوآرتز در مدل با متغیرهای کنترلی نسبت به مدل بدون متغیرهای کنترلی کاهش پیدا کند، به این معنا است که متغیرهای کنترلی باعث بهبود مدل شده‌اند. با توجه به این که مقادیر آکائیک و شوآرتز (جدول ۱۱) در مدل با متغیرهای کنترلی نسبت به مدل بدون متغیرهای کنترلی کاهش پیدا کرده، متغیرهای کنترلی باعث بهبود مدل شده‌اند و از کفایت لازم برخوردارند.

جدول ۱۱: نتایج بررسی کفایت متغیرهای کنترلی با استفاده از آماره آکائیک و شوآرتز

| نتیجه | آماره شوآرتز | آماره آکائیک | شرح | |
|-----------------------|--------------|--------------|----------------------|-----------------|
| کفایت متغیرهای کنترلی | -۲۶۴/۱۲۸ | -۲۶۵/۳۷۲ | با متغیرهای کنترلی | مدل اول پژوهش |
| | -۲۴۶/۶۲۴ | -۲۳۹/۱۲۷ | بدون متغیرهای کنترلی | |
| کفایت متغیرهای کنترلی | -۳۹۵/۸۱۶ | -۴۲۱/۲۹۳ | با متغیرهای کنترلی | مدل دوم پژوهش |
| | -۳۵۴/۵۱۸ | -۴۰۸/۱۶۷ | بدون متغیرهای کنترلی | |
| کفایت متغیرهای کنترلی | -۳۸۶/۲۳۳ | -۳۱۵/۶۳۴ | با متغیرهای کنترلی | مدل سوم پژوهش |
| | -۳۵۵/۰۸۴ | -۲۶۹/۱۶۷ | بدون متغیرهای کنترلی | |
| کفایت متغیرهای کنترلی | -۵۶۵/۲۱۶ | -۵۹۴/۳۶۴ | با متغیرهای کنترلی | مدل چهارم پژوهش |
| | -۵۰۱/۳۱۳ | -۵۶۴/۶۱۷ | بدون متغیرهای کنترلی | |

بحث و نتیجه‌گیری

فرایند حسابرسی در مواجهه با ریسک‌های مربوط به کار حسابرسی باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا شود که با توجه به ریسک‌های غیرقابل کنترل، ریسک عدم کشف حسابرسی و احتمال پذیرش نادرست صورت‌های مالی را به حداقل برساند. چراکه هرگونه ریسک مالی ناشی از احتمال نقض مفاد قراردادها از طرف مدیریت و عدم قطعیت مالیات محاسبه شده می‌تواند به انتقال ناعادلانه ثروت منجر شده و این درحالی که است که به‌عنوان ابزار نظارتی، حسابرسی قابل اتکا و با ریسک کمتر گزارشگری، می‌تواند دامنه ریسک ارائه نادرست اطلاعات را کاهش دهد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر ریسک حسابرسی بر ریسک مالی و ریسک حسابرسی است. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داد از شاخص‌های ریسک حسابرسی، دوره جستجوی حسابرس و احتمال خرید اظهارنظر حسابرس سبب کاهش تغییر نقدینگی (تغییر کاهشی در نسبت نقدینگی نسبت به سال قبل)

و سبب افزایش درجه بحران مالی (تغییر افزایشی در بحران مالی نسبت به سال قبل) شده است، ولی حق الزحمه حسابرسی بر تغییر بحران مالی نسبت به سال قبل تأثیر منفی ولی بر تغییر در نسبت نقدینگی نسبت به سال قبل بی تأثیر است. این نتیجه حاکی از این است که ریسک حسابرسی در قالب دوره بیشتر جستجوی حسابرس و احتمال بیشتر خرید اظهارنظر حسابرس، ریسک اطلاعاتی را افزایش داده، انعطاف حسابرسان در رسیدگی بی طرفانه صورت‌های مالی را کاهش، قابلیت اتکای اطلاعات حسابرسی شده را کاهش می‌دهد و مانع از ایفای درست وظیفه اعتبار دهی و کیفیت افزایشی حسابرسی به صورت‌های مالی می‌شود. در حالی که با افزایش حق الزحمه حسابرسی، که نشانه‌ای از تلاش‌های بیشتر و شناسایی ریسک بیشتر حسابرسی توسط حسابرسان است، احتمال بحران مالی در شرکت‌های حسابرسی شده کاهش می‌یابد که بیانگر کارایی و اثربخشی حسابرسی در پاسخ به ریسک‌ها بدون تحت تأثیر قرار گرفتن فرایند حسابرسی توسط صاحب کار است. این نتیجه هم‌راستا با نتایج پژوهش‌های قبلی مانند (روزاتی و همکاران، ۲۰۱۹)، (مزلومن و همکاران، ۲۰۲۰)، (جانسون و همکاران، ۲۰۱۸)، (هیگس و اسکاتنز، ۲۰۱۹)، (فانگ و همکاران، ۲۰۲۱)، (گار سیا او سما و همکاران، ۲۰۱۸) و (چن و همکاران، ۲۰۱۵) است. نتیجه آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد از بین شاخص‌های ریسک حسابرسی، دوره جستجوی حسابرس و احتمال خرید اظهارنظر سبب افزایش ریسک مالیاتی (نوسان نرخ مؤثر مالیاتی و اختلاف مالیاتی) شده و متغیر حق الزحمه حسابرسی تأثیر منفی معنی‌داری بر ریسک مالیاتی (نوسان نرخ مؤثر مالیاتی و اختلاف مالیاتی) دارد. یعنی با افزایش دوره جستجوی حسابرس و با افزایش احتمال خرید اظهارنظر حسابرسی، استقلال و بی‌طرفی حسابرسان کاهش می‌یابد، مدیران برای دستیابی به اهداف شخصی به دنبال حسابرسان همسو با سیاست‌های خود هستند و چه بسا از تخصص حسابرسان به‌عنوان مشاوران مالیاتی برای اجتناب مالیاتی و ذخیره مالیات‌های بیشتر برای افزایش انعطاف مالی خود استفاده می‌کنند که نوسان و تغییرات در مالیات‌های محاسبه و گزارش شده را افزایش می‌دهد. در حالی که با افزایش حق الزحمه حسابرسی، تلاش حسابرسان برای رعایت دقیق استانداردها و قوانین مالی و مالیاتی بیشتر شده و به‌عنوان نشانه کیفیت بالای حسابرسی، از حسابرسان متخصص استفاده شده و وابستگی کمتری به صاحب کار داشته که ریسک مالیاتی به‌صورت عدم قطعیت مالیات‌های محاسبه شده بر مبنای صورت‌های مالی حسابرسی شده را کاهش

می‌دهد. این نتیجه نیز هم‌راستا با نتایج پژوهش‌های قبلی مانند (گایا و همکاران، ۲۰۲۱)، (درینگ و همکاران، ۲۰۲۰)، (کاو رمن، ۲۰۲۲)، (بلافوس و همکاران، ۲۰۲۳)، (میدو و شاکلفرد، ۲۰۰۷) و (بوبک و همکاران، ۲۰۱۰) است. از دیدگاه اجتماعی به حرفه حسابرسی، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود قبل از تخصیص منابع بین شرکت‌های مختلف، هرگونه مدت‌زمان طولانی برای جستجوی حسابرس و احتمال خرید اظهارنظر حسابرس را به‌عنوان ریسک بالای حسابرسی مدنظر قرار داده تا از تحمل ریسک مالی بیشتر در سبد سرمایه‌گذاری خود اجتناب کنند، از نظر سیاسی به نهادهای قانون‌گذار پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش ریسک حسابرسی در ایجاد عدم قطعیت مالیاتی و انتقال ناعادلانه ثروت، در شرایط مواجهه با ریسک بالای حسابرسی، شرایط الزام حسابرسان به رعایت دقیق استانداردهای حسابرسی، پاسخگویی و حسابدهی و قانون‌گرایی را تشدید کنند. به دلیل پیامدهای فردی و اجتماعی ریسک حسابرسی در قالب ایجاد مخاطره مالی برای سرمایه‌گذاران و ایجاد عدم قطعیت مالیاتی برای نهادهای دولتی، به تحلیل‌گران مالی پیشنهاد می‌شود با تحلیل شرایط و ویژگی‌های حسابرسی سالانه و ریسک‌های محتمل آن، زمینه شناخت دقیق‌تر ریسک‌های مالی و مالیاتی را برای استفاده‌کنندگان هموار کنند.

یادداشت‌ها

1. Hackenbrack et al..
2. Rosati et al.
3. Knechel et al.
4. Frino et al.
5. Chowdhury et al.
6. Garcia Osma et al.
7. Fang et al.
8. Kovermann
9. Bobek et al.
10. Bobek et al.
11. Gaaya et al.
12. Dyreng et al.
13. Almustafa et al.
14. Thi Pham & Thi Dao
15. Saragih & Ali
16. Luthfiana
17. Dang et al.
18. Johnson et al.
19. Higgs & Skantz
20. Chen et al.
21. Boiko
22. Beasley et al.
23. Chen et al.
24. Watrin et al.
25. Chen et al.
26. Towery
27. Chyz et al.
28. Blaufus et al.
29. Lin et al.
30. Moore
31. Alsadoun et al.
32. Nguyen

- | | |
|--------------------------|-----------------------|
| 33. Abernathy et al. | 34. Gleason & Mills |
| 35. Maydew & Shackelford | 36. Dunn & Mayhew |
| 37. Mayhew & Wilkins | 38. Suwardi & Saragih |
| 39. Sujana & Dharmawan | 40. Lungu et al. |
| 41. Mättö et al. | 42. Ahmadpour et al. |
| 43. Drake et al. | 44. Muhajir |
| 1) 45. . Lobo & Zhao | 46 Jiang & Son |
| 47. McNulty et al. | 48. Mande et al. |
| 49. Mande et al. | |

منابع

- اسمعیل خبارزاده، محمد؛ جهانشاد، آزیتا و پورزمانی، زهرا. (۱۴۰۱). شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده (مطالعه موردی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، *فصلنامه پژوهشنامه مالیات*، ۵۲(۲۹)، ۲۵-۵۲.
- امیری، اسماعیل و فخاری، حسین. (۱۳۹۹). شاخص ترکیبی برای خرید اظهارنظر حسابرس مبتنی بر فن تحلیل ممیزی. *مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۱)، ۱-۳۱.
- برزگری خانقاه، جمال و قدک فروشان، مریم. (۱۳۹۹). طراحی مدل سنجش ریسک مالیاتی و بررسی اثر آن بر ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه ایران. *فصلنامه تحقیقات مالی*، ۲۲(۲)، ۲۶۶-۲۹۶.
- پاکیزه، کامران؛ حیدری، محمدرضا؛ و بشیری جویباری، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ریسک مالیاتی بر نگهداشت وجه نقد توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله دانش حسابداری*، ۶(۲۲)، ۵۷-۸۰.
- توکلی، سامان و آشتاب، علی. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک مالی شرکت‌ها با رویکرد معادلات ساختاری، *فصلنامه مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۹(۲)، ۷۷-۹۸.
- حواسی طالب، محمود؛ حجازی، رضوان و نوروش، ایرج. (۱۴۰۱). طراحی الگوی اظهارنظر حسابرسان مستقل با استفاده از رویکرد زمینه بنیان. *مجله پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۱۱(۲)، ۱۶۷-۲۰۷.
- عارف منش، زهره و میرحاجی طزرجانی، زهرا سادات. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر دوره جستجوی حسابرس به عنوان علامت ریسک حسابرسی بر انتخاب حسابرس و حق الزحمه

- حسابرسی. مجله دانش حسابرسی. ۲۱ (۸۲)، ۲۰۱-۱۷۹.
- نصیرزاده، فرزانه؛ صالحی، مهدی و بیگی، بهزاد. (۱۳۹۴). ویژگی‌های ساختاری و فرایندی هیأت مدیره و ریسک مالی: تغییر در نقدینگی - تغییر در بحران مالی. مجله دانش حسابداری، ۶ (۲۲)، ۸۱-۱۰۵.
- محمدی، حسین و عزیزی، صدیقه. (۱۴۰۳). بررسی تاثیر گزارشگری مالی محافظه کارانه بر راهبردهای تجاری و سیاست متهورانه مالیاتی. مجله پژوهشهای کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۳ (۱)، ۲۰۳-۲۲۹.
- واعظ، سید علی؛ دارش، فرشته؛ بصیرت، مهدی؛ کعب عمیر، احمد. (۱۳۹۷). ارزیابی پایداری مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی شرکت با تأکید بر نوع مالکیت. فصلنامه پژوهشنامه مالیات. ۲۶ (۴۰)، ۱۸۷-۲۰۶.
- Abernathy, J. L., Finley, A. R., Rapley, E. T., & Stekelberg, J. (2019). External Auditor Responses to Tax Risk. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 36(3), 489-516.
- Ahmadpour, M., Aghajan Nashtaei, R., & Khodadadi, M. (2023). Identifying and Evaluating Factors Affecting Financial Risk in Companies Admitted to the Tehran Stock Exchange. *Environmental Energy and Economic Research*, 7(2), 1-18
- Almustafa, H., Kijkasiwat, P., Jreisat, A., Al-Mohamad, S., & Khaki, A. R. (2023). Corporate risk-taking and national governance quality: Empirical evidence from MENA emerging markets. *Cogent Business & Management*, 10(1), 1-18.
- Alsadoun, N., Naiker, V., Navissi, F., & Sharma, D. S. (2018). Auditor-provided tax nonaudit services and the implied cost of equity capital. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, 37(3), 1-24.
- Amiri, E. & Fakhari, H. (2020). A Composite Index for Audit Opinion Shopping Based on Discriminant Analysis Technique. *Accounting and Auditing Review*, 27(1), 1-31. [In Persian].
- Arefmanesh, Z., & Mirhaji Tezerjani, Z. S. (2021). Investigating the impact of the auditor's search period as an audit risk factor on auditor selection and audit fees. *Audit knowledge*, 21 (82), 179-201. [In Persian].
- Barzegari Khanaghah, J. & Ghadakfroushan, M. (2020). Designing a Tax Risk Assessment Model and Its Effect on the Value of Companies Listed on the Iranian Capital Market. *Financial*

- Research Journal*, 22(2), 266-296. [In Persian].
- Beasley, M. S., Goldman, N. C., Lewellen, C. M., & McAllister, M. (2021). Board risk oversight and corporate tax-planning practices. *Journal of Management Accounting Research*, 33(1), 7–32.
- Blaufus, K., Reineke, J., & Ilko Trenn, I. (2023). Perceived tax audit aggressiveness, tax control frameworks and tax planning: An empirical analysis. *Journal of Business Economics* 93(3), 509–57.
- Bobek, D., Hageman, A., & Hatfield, R. (2010). The role of client advocacy in the development of tax professionals' advice. *Journal of the American Taxation Association*, 32 (1), 25–51.
- Boiko, M. O. (2019). Problematic aspects of financial risk assessment methodology in stevedoring companies. *World Science*, 1(12 (52)), 32-38.
- Chen, F., Peng, S., Xue, S., Yang, Z., & Ye, F. (2015). Do Audit Clients Successfully Engage in Opinion Shopping? Partner-Level Evidence. *Journal of Accounting Research*, 54(1), 79-112.
- Chen, H., Yang, D., Zhang, X., & Zhou, N. (2020). The moderating role of internal control in tax avoidance: Evidence from a COSO-Based internal control index in China. *Journal of the American Taxation Association*, 42(1), 23–55.
- Chen, S., Xu, S., & Wu, D. (۲۰۲۲). Corporate governance and the Asymmetric behavior of selling, general and administrative costs: the evidence from state antitakeover laws, available at: *www. Ssrn. Com*.1-42.
- Chowdhury, J., Kumar, R. & Shome, D. (۲۰۲۲). Investment–cash flow sensitivity under changing information asymmetry. *Journal of Banking & Finance*, 62(2), 28-40.
- Chyz, J. A., Ronen, G.-O., & Vic, N. (2023). Separating Auditor-Provided Tax Planning and Tax Compliance Services: Audit Quality Implications. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 42(3), 101–31.
- Dang, H. T., Phan, D. T., Nguyen, H. T. & Hoang, L. H. T. (2020). Factors effecting financial risk: Evidence from listed enterprises in Vietnam. *The Journal of Asian Finance, Economics, and Business*, 7(9), 11-18.
- Drake, K. D., Lusch, S. J., & Stekelberg, J. (2019). Does Tax Risk Affect Investor Valuation of Tax Avoidance?. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 34(1), ۱۵۱–176.

- Dunn, K., & Mayhew, B. (2004). Audit firm industry specialization and client disclosure quality, *Review of Accounting Studies*, 9 (1), 35–58.
- Dyreng, S., Hanlon, M., Maydew, E. & Thornock, J. (2020). Changes in corporate effective tax rates over the past 25 years, *Journal of Financial Economics*, 124(3), 441-563.
- Fang, C. L., Lin, Y.C, & Chen, C.S. (۲۰۲۱). Accrual Quality and Audit Fees: The Role of Abnormal Audit Fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33 (1), 117-138.
- Frino, A., & Palumbo, R., & Pierangelo Rosati, P. (2023). Does information asymmetry predict audit fees?," *Accounting and Finance*, 63(2), 2597-2619.
- Gaaya, S., Lakhali, N., & Lakhali, F. (2021). Does family ownership reduce corporate tax avoidance? The moderating effect of audit quality, *Managerial Auditing Journal*, 32(7), 731-744.
- Garcia Osmá, B., Gill-de-Albornoz, B., De Las Heras, E., & Rusanescu, S. (2018). *Opinion Shopping: Firm versus Partner-Level Evidence*. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2776609>,1-63.
- Gleason, C., & Mills, L. (2011). Do auditor-provided tax services improve the estimate of tax expense? *Contemporary Accounting Research*, 28 (5): 1484–1509.
- Hackenbrack, K.E., Jenkins, N.T. & Pevzner, M. (2014) Relevant but delayed information in negotiated audit fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(4), 95–117.
- Havasi Taleb, M., Hejazi, R. & Noravesh, I. (2023). Designing the Opinion Pattern of Independent Auditors Using the Grounded Theory Approach. *APPLIED RESEARCH IN FINANCIAL REPORTING*, 11(2), 167-207. (In Persian)
- Higgs, J. L. & Skantz, T. R. (۲۰۱۹). Audit and non audit fees and the market's reaction to earnings announcements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 25 (1), 1-26.
- Jiang, W. & Son, M. (2015). Do audit fees reflect risk premiums for control risk? *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 30(3), 318–340.
- Johnson, W.A., Agyapomaa, G.K. & Joshua, Y.A. (2018). Debt Holdings and Investment Cash Flow Sensitivity of Listed Firms. *International Journal of Emerging Markets*, 13(1), 1-17.
- Kabazzadeh M E, Jahanshad A, & Pourzamani Z. (2022). Identifying Factors Affecting VAT Auditing Risks (Case Study of Firms Accepted in Tehran Sock Exchange). *Journal of Tax Research*, 29

- (52),25-52.(in Persian)
- Knechel, W.R., Krishnan, G.V., Pevzner, M., Shefchik, L.B. & Velury, U.K. (2013) Audit quality: insights from the academic literature. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32(1), 385–421
- Kovermann, J. (۲۰۲۲). Tax avoidance, tax risk and the cost of debt in a bank-dominated economy, *Managerial Auditing Journal*, 33(8), 683-699.
- Lin, X., Liu, M., So, S., & Yuen, D. (2019). Corporate social responsibility, firm performance and tax risk. *Managerial Auditing Journal*, 34(9), 1101–1130.
- Lobo, G.J. & Zhao, Y. (2013). Relation between audit effort and financial report misstatements: evidence from quarterly and annual restatements. *The Accounting Review*, 88(4), 1385–1412.
- Lungu. C., Burca. V., Bunget. O.C., & Dumitrescu. A.C. (2023).The Association between Audit Quality and Corporate Tax Avoidance. A Bibliometric Review of Literature and Early Evidence on the European Union, from the Perspective of Tax-Related Key Audit Matters Disclosure. *Journal of Risk and Financial Management*. 16(8), 1-14.
- Luthfiana, T. (2018). The influence of ethics and audit risk on audit quality with professional skepticism as a moderating variable. *Jurnal Ilmiah Mahasiswa Fakultas Ekonomi dan Bisnis*, 6 (2), 1-19.
- Mande, V., Son, M., & Song, H. (2017). Auditor search periods as signals of engagement risk: Effects on auditor choice and audit pricing. *Advances in Accounting*, 37(4), 15–29.
- Mättö, M., Mervi, N., & Hannu, O. (2023). The role of auditors and banks in the tax aggressiveness of private firms. *International Journal of Auditing*, Forthcoming, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4375536>.1-28.
- Maydew, E., & Shackelford, D. (2007). The changing role of auditors in corporate tax planning In *Taxing Corporate Income in the 21st Century*, Cambridge University Press, 307–337.
- Mayhew, B., & Wilkins, N. (2003). Audit firm industry specialization as a differentiation strategy: Evidence from fees charged to firms going public. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22 (2): 33–52.
- McGuire, S. T., Omer, T. C., & Wang, D. (2012). Tax Avoidance: Does

- Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference? *The Accounting Review*, 87 (3): 975–1003.
- McNulty, T., Florackis C., & Ormrod, P. (2013). Boards of directors and financial risk during the credit crisis, *Corporate Governance: An International Review*, 21(1), 58–78.
- Mohammadi, H. and azizi, S. (2024). Investigating the impact of conservative financial reporting on business strategies and Tax aggressiveness. *Applied Research in Financial Reporting*, 13(1), 203-229. [In Persian].
- Moore, R. D. (2021). The concave association between tax reserves and equity value. *Journal of the American Taxation Association*, 43(1), 107–124.
- Muhajir, A. (2018). Does Audit Risk Affect the Audit Fee? *Journal of Contemporary Accounting Studies in Indonesia*, 8(3), 37-42.
- Nassirzadeh, F., Salehi, M. & Beigi, B. (2015). Structure and Process Characteristics of Board of Directors and Financial Risks: Changes in Liquidity - Changes in Financial Slack. *Journal of Accounting Knowledge*, 6(22), 81-105. [In Persian].
- Nguyen, J. H. (2020). Tax Avoidance and financial statement readability. *European Accounting Review*, 30(5), 1043–1066.
- Pakizeh, K., Heidari, M., & Bashiri Joibari, M. (2015). Effects of Tax Risks on Cash Holdings of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 6(22), 57-80. [In Persian].
- Rosati, P., Gogolin, F. & Lynn, T. (2019). Audit firm assessments of cyber-security risk: evidence from audit fees and SEC comment letters. *The International Journal of Accounting*, 54(3), 1-76.
- Saragih, A. H., & Ali, S. (2021). Corporate tax risk: A literature review and future research directions. *Management Review Quarterly*, 26(1), 46-69.
- Sujana, E., & Dharmawan, N.A.S. (2023). Audit Quality Improvement and the Role of Risk: Audit as a Moderator, *AABFJ*.17 (4), 223-238.
- Suardi, E., & Saragih, A.H. (2023). The effect of tax risk on audit report delay: Empirical evidence from Indonesia, *Cogent Business & Management*, 10(1), 1019.
- Tavakoli, S. & Ashtab, A. (2021). Identifying the Factors Affecting the Financial Risks of Companies Using the Structural Equations Approach. *Journal of Asset Management and Financing*, 9(2), 77-

98. [In Persian].

Thi Pham, P. M., & Thi Dao, B. T. (2022). A meta-analysis of risk taking and corporate performance. *Cogent Business & Management*, 9(1).1-25.

Towery, E. M. (2017). Unintended consequences of linking tax return disclosures to financial reporting for income taxes: Evidence from schedule UTP. *The Accounting Review*, 92(5), 201–226.

Vaez, S. A., Daresh, F., Basirat, M., & Kaab Omair, A. (2019). Evaluating Tax Persistence and Future Tax Risk of Firms by Emphasizing on Ownership Type. *Journal of Tax Research*, 26 (40), 187-206. [In Persian].

Watrin, C., Burggraef, S., & Weiss, F. (2019). Auditor-provided tax services and accounting for tax uncertainty. *The International Journal of Accounting*, 54(3),1-52.